



دانشگاه؛ سنگر آزادی

فراخوان و اعتراضات

بعد از کودتای شوم فرهنگی به فرمان خمینی در اردیبهشت سال ۱۳۵۹،

دانشگاه همچون شعله ای در مصاف تاریکی بارها و بارها زیر خاکستر فروکش کرد و دوباره برخاست! ولی هرگز خاموش نشد.

دانشگاه؛ خصم بی امان بنیادهای فرهنگی و سیاسی و اجتماعی این رژیم تبهکار و بنیادگرا بوده است. دانشگاه؛ نماد مدرنیسم و تجددخواهی ایرانیان در مقابل قبیله تباهی و سیاهی برخاسته از قعر قرون بوده است. دشمنی این قوم ایران ستیز و فاشیست با دانشگاه سابقه ای به درازای حیات نکبت‌بار این حکومت دارد که بنیانگذارش ریشه همه مصیبت‌ها را دانشگاه می‌دانست. تا جاییکه خمینی؛ خطر دانشگاه را از بمب اتم بالاتر دانست.

واقعیت اینست که اولین سنگر مبارزه با این عفونت تاریخی دانشگاه بود که پرچم نبرد را بر علیه این قوم تباهی را برافراشت و چه پرچمدارانی که طی این ۴ دهه بر زمین افتادند ولی این پرچم بر زمین نیفتاد. از ۳۰ خرداد ۶۰ تا قتل عام ۶۷ و از قیام ۱۸ تیر و ۲۰ تیر تهران و تبریز تا خوابگاه خونین طرشت در سال ۸۲ و از قیام ۸۸ تا قیام ۹۶ و از قیام آبان و دی ۹۸ تا سلسله قیام‌های ۱۴۰۱ دانشگاه، کابوس ارتجاع بوده است.

الان که در فاز پایانی و مرحله نهایی قرار گرفته‌ایم، استمرار این قیام بر شانه‌های دانشگاه سنگینی می‌کند و بهای بقاء جنبش در کف خیابان از طرف دانشگاه پرداخته می‌شود. دانشگاه؛ مرزبندی جنبش با شاه و شیخ را کشیده و با هرگونه انحراف سیاسی از طرف استعمار و تفاله‌های سلطنتی و ریزه‌خواران امنیتی که از طریق رسانه‌های وابسته و مزدور بر کف خیابان اعمال میشود، برخورد میکند.

اما تهدید چیست؟

تهدید بازتولید ادبیات جنسیت زده در سطح شعارهای سیاسی بر علیه رژیم غاصب آخوندی است.

از آنجاییکه رهبری میدانی این انقلاب در تمامیتش در دست زنان است، هر گونه شعار سکسیستی با محوریت خشونت جنسی در شعارها به معنای بازی در میز فرهنگی و ارزشی جمهوری اسلامی است. از همین جهت باید شعارهای برخاسته از دانشگاه حامل ارزش‌های نوین انقلابی - انسانی بوده و از طرف دیگر انعکاس ضرورت مبارزه مسلحانه بر پایه سازماندهی محله محور باشد.

با این اوصاف؛ از همه دانشجویان انقلابی و مبارز می‌خواهیم در مقابل شعارهای جنسیت زده رساله‌ای و حوزوی مرزبندی کرده و سطح جنبش را ارتقاء دهند و آلات جنسی مردانه و زنانه را وارد شعارهای سیاسی خود نکنند. این رهنمود ما یک توصیه اخلاقی برای «بچه خوب و مثبت» شدن نیست بلکه عمیقاً برخاسته از ضدیت بنیادین با فرهنگ حوزوی زن ستیزانه است.

شعار محوری این مرحله از جنبش انقلابی مرزبندی سیاسی و راهبردی با تمامیت دیکتاتوری در تاریخ مدرن ایران است. شعاری که خلافت دینی و سلطنت موروثی را نشانه گرفته است :

«مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر»

با درود به شهدای دانشجو که رفتند تا ستاره‌ای در آسمان غم‌زده ایران باشند و راه را برای ما روشن کنند. با آنها پیمان می‌بندیم که راهشان را تا پیروزی انقلاب دموکراتیک ادامه دهیم.